



انترناسیونال

۲۲۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۸ دی ۱۳۸۶، ۱۸ ژانویه ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

تلویزیون کانال جدید شایسته گرمترین حمایت مالی است

هیچ حرمتی تحت قوانین اسلامی ندارند و بویژه دخترپچه های معصومی که از چهار پنج سالگی آنها را در حجاب میپوشانند، صفحه ۶

بی قید و شرط از برابری کامل حقوق زن و مرد و لغو همه قوانین ضدزن حاکم بر ایران و امحای آپارتاید جنسی در این کشور، تریبونی در دفاع از کودکان که

اعتصاب و تجمع و حق تشکل است. تریبونی است در دفاع از سکولاریسم و علیه خرافات مذهب، علیه اسلام سیاسی و ترویسم اسلامی، تریبونی در دفاع

کانال جدید تلویزیونی در دفاع از آزادی، عدالت و برابری است. تریبونی در دفاع از حقوق و آزادیهای مردم ایران، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده،

ستون اول



حمید تقوایی

جمهوری اسلامی باید در جهان منزوی شود!

بوش در سفر اخیر خود به خاورمیانه خطاب به مردم ایران پیغام داد "روزی خواهد آمد که مردم ایران دولتی خواهند داشت که آزادی و عدالت را محترم میشمارد و ایران به جمع کشورهای آزاد جهان خواهد پیوست و در آن روز خوب، شما هیچ دوست بهتری از آمریکا نخواهید داشت."

تنها نکته درست و حقیقی در این پیام اینست که مردم ایران به آزادی و برابری دست خواهند یافت. برای مردم آمریکا نیز بی تردید چنین روزی فرا خواهد رسید. اما راه رسیدن به این هدف در دنیای امروز مبارزه مردم در ایران و در آمریکا و در همه جوامع با توحش و بربریتی است که تخصص و کشمکش میان دو قطب تروریستی، تخصص میان میلیتاریسم دولتی غرب و اسلام سیاسی، بر جهان حاکم کرده است.

این دو قطب تروریستی بر سر اهداف و منافع ضد انسانی طبقه مفتخور حاکم و حکومتهای متبوعه خود میجنگند و از مردم جهان قربانی میگیرند. این تخصصی است که بعد از دوره جنگ سرد و بویژه پس از ۱۱ سپتامبر سایه سیاه خود را بر زندگی میلیونها انسان در همه کشورها گستراند، و زندگی و هستی و امنیت و رفاه و آزادی میلیونها انسان در سراسر دنیا را به گروگان گرفت و نفی و لگد مال کرد.

اما این دوره سیاه به پایان خود نزدیک میشود. رسوا و منزوی شدن هیات حاکمه آمریکا و بخصوص سیاستهای

صفحه ۲

دولت در قبال همه این فجایع مسئول است قطع گاز و پیامدهای آن برای مردم



شهبلا دانشفر

در ایران موضوع مهمی است که در همین فاصله کوتاه دو هفته اخیر، ابعاد انسانی بسیاری داشته

قطع گاز و همزمان سرمای شدید ۳۰ درجه زیر صفر و ریزش سنگین برف در شهرهای مختلف

در ایران موضوع مهمی است که در همین فاصله کوتاه دو هفته اخیر، ابعاد انسانی بسیاری داشته

صفحه ۵

انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی یک کلاهبرداری سیاسی است!



مهرنوش موسوی

از حزب مشارکت تا نهضت آزادی، از دوم خردادیهای وامانده چون شیرین عبادی تا حتی احزاب

راست پرو غرب چون حزب مشروطه که اخیرا به هر مناسبتی، خواه صلح و یا جنگ،

جرعه جرعه کاسه زهر سر

صفحه ۳

برنامه حزب چه میخواهد؟ پاپ را به دانشگاه راه ندادند فاشیسم ایرانی و ...

کاظم نیکخواه صفحات ۴ و ۱۰

جامعه به چپ چرخیده است

مرتضی فاتح صفحه ۸

هشت مارس رادیکال و سراسری در گرو چیست؟

حمید تقوایی صفحه ۹

در صفحات دیگر

باید با شجاعت از حقوق جهانشمول انسان دفاع کرد
جمهوری اسلامی مسبب مرگ ۹۰ نفر
اعتراض در کاغذ سازی شوستر
قتل دانشجوی دانشگاه
دبیر کل سازمان معلمان به زندان محکوم شد
اتحادیه دانشجویی آزادی فوری دانشجویان را میخواهد
مینا احدی
اطلاعیه حزب
اطلاعیه حزب
سازمان جوانان
اطلاعیه حزب
اطلاعیه حزب

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قتل دانشجوی دانشگاه پیام نور سندج زیر شکنجه

طبق گزارش ویلاگ زربار پریس دیشب ۲۶ دیماه ابراهیم لطف الهی دانشجوی دانشگاه پیام نور سندج زیر شکنجه جان باخت. ابراهیم روز ۱۶ دیماه ۸۶ بعد از امتحان به دستور شعبه ۳ بازپرسی سندج دستگیر و به اداره اطلاعات سندج منتقل شد. در این مدت به جز یک ملاقات کوتاه خانواده ابراهیم با وجود مراجعات مکرر خبری از او نداشتند تا اینکه خبر فوت او امروز منتشر شد. بازجوی ابراهیم شخصی به نام مهدی مولولی با نام مستعار هاتاف است که جاننشین رئیس اطلاعات سندج و مسئول گزینش وزارت اطلاعات در استان کردستان می باشد. طبق گزارشات رسیده با انتشار این خبر فضای شهر سندج به شدید متشنج شده است. قتل ابراهیم در ادامه سرکوب دانشجویان و مردم معترض است. جمهوری اسلامی با دستگیری، شکنجه و کشتن فعالین اجتماعی می خواهد جامعه را مرعوب و اعتراضات مردم را خفه کند. ارباب

و سرکوب ابزار حاکمیت جمهوری اسلامی ست. باید با تمام قوا به این عمل جنایتکارانه جمهوری اسلامی اعتراض کنیم و خواهان شناسایی قاتلین ابراهیم و محاکمه آنان در دادگاه های مردمی و عادلانه شویم. سازمان جوانان کمونیست قتل ابراهیم لطف الهی را قویا محکوم می کند و به خانواده ابراهیم تسلیت می گوید و از تمام دانشجویان و مردم معترض می خواهد به این عمل وحشیانه حکومت اسلامی اعتراض کنند. جهان باید بداند جمهوری اسلامی مردم و جوانان را به خاطر ابراز عقیده و بیان دستگیر و زیر شکنجه به قتل می رساند. باید جهان بداند جمهوری اسلامی نماینده مردم نیست بلکه قاتل مردم است و باید آن را در سطح بین المللی منزوی و از مجامع بین المللی اخراج کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
سازمان جوانان کمونیست
۷ دیماه ۸۶، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۸

اتحادیه دانشجویی دانشگاه "منیتوبا" کانادا خواستار آزادی فوری دانشجویان بازداشت شده گردید

گری سرن (Garry Sran) رئیس اتحادیه دانشجویی دانشگاه منیتوبا (Manitoba) در نامه اعتراضی که از سوی ۲۲۰۰۰ دانشجوی این دانشگاه به مقامات رژیم اسلامی نوشت، اعمال آنان علیه دانشجویان را محکوم کرده و گفته است: "اتحادیه دانشجویی دانشگاه منیتوبا اعمال خشونت آمیز مقامات دولت ایران، منجمله ربودن دانشجویان و شکنجه دانشجویان بازداشت شده را محکوم می کند. بعلاوه، بازداشت دانشجویان به دلیل شرکت در یک تظاهرات مسالمت آمیز علنی اقدامی است ناموجه و قابل تقبیح". رئیس اتحادیه دانشجویی دانشگاه منیتوبا (شعبه ۱۰۳ فدراسیون اتحادیه های دانشجویی دانشگاه های کانادا) در نامه خود خطاب به مقامات دولت ایران آورده است که: "من قویا از شما می

میلتاریستی دولت بوش در افکار عمومی مردم در خود آمریکا و شکل گیری و بمیدان آمدن جنبش ضد جنگ و صف سکولاریسم و آزادیخواهی در کشورهای غربی نشانه های سر بر آوردن جهان متمدن در برابر این توحش نظم نوینی است. در این مبارزه جهانی مردم آزادیخواه ایران نقش تعیین کننده ای بعهده دارند. جامعه ایران بخاطر سه دهه حاکمیت یکی از وحشیانه ترین و ضد انسانی ترین حکومتها که ستون فقرات جنبش فوق ارتجاعی اسلام سیاسی است و بخاطر عروج چپ، سکولاریسم و مدنیت و انسانیت، و نقد و اعتراض رادیکال و انسانی و سوسیالیستی در برابر توحش حاکم، عملا و بطور عینی در چشم توفان و در مرکز مقابله جهان متمدن با قطبهای تروریسم جهانی قرار گرفته است. دور باطل توحش تروریستی در اینجا خواهد شکست.

ایران یوگوسلاوی و چینیا و گرجستان و اوکراین نیست. عراق و افغانستان هم نیست. اینجا مذهب و قومیت و تاجر و عقب ماندگی نه در اپوزیسیون بلکه در حاکمیت است و بهمین دلیل حنای انقلابات مخملی و رژیم پنچی نوع آمریکائی رنگی ندارد. مردم ایران برای "آزادی، برابری، هویت انسانی" می جنگند و نه بازار آزاد بعلاوه "دموکراسی اسلامی" نوع کزازی. بر خلاف تجربه جمهوری های سابق شوروی، که بقول منصور حکمت مردم برای آزادی جنگیدند اما پارلمان بعلاوه سرمایه داری بازار آزاد تحویل گرفتند، در ایران این تجربه را نمی شود تکرار کرد. این حقیقت را سیاستگذاران آمریکا نیز خوب میدانند. طرف خطاب واقعی پیام بوش نه مردم ایران بلکه جناحهای حکومتی هستند. اما اینجا نیز، برخلاف آنچه به نظر میرسد، این نه جناح میانه رو و "اصلاح طلبان" طرفدار صلح و دموکراسی و مدافع "انتخابات آزاد تحت نظارت بین المللی" بلکه جناح راست و خط ولی فقیه است که در کشمکشهای درون حکومتی از این پیام نیرو میگیرند. بقول روزنامه گاردین اظهارات بوش علیه

جهان می نمایاند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد همستی بین المللی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست گارگری ایران

از صفحه ۱ جمهوری اسلامی در جهان...

جمهوری اسلامی در سفر اخیرش به خاورمیانه بهترین هدیه به احمدی نژاد بود. جناح احمدی نژاد و خود ولی فقیه این هدیه را در هوا قاپیدند و تاخت و تاز علیه جناح رقیب را به عنوان ستون پنجم دشمن و دنباله رو شیطان بزرگ و غیره شروع کردند.

این اولین بار نیست که دو قطب متخاصم تروریستی یکدیگر را تقویت میکنند. کل موقعیت امروز نیروهای اسلامی و افسارگسیختگی هایشان در منطقه خاورمیانه یک نتیجه و ثمره مستقیم حمله آمریکا به عراق است. این بویژه به تقویت موقعیت جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و فلسطین منجر شده است. در صحنه سیاست داخلی نیز جناح ولی فقیه نه تنها برای حفظ موقعیت خود بلکه برای بقای کل رژیم اسلامی به این تخاصم با شیطان بزرگ احتیاج دارد. از همین رو ناگزیر است حتی هر نوع مذاکره و سازش و توافق را در لفافه ای از حملات لفظی علیه شیطان بزرگ و بویژه جناح میانه رو و سازشکار با آمریکا به پیش ببرد. این موقعیت شترمرغی، که همانطور که در شماره قبل توضیح دادم خود انعکاسی از بحران هویتی و پایه ای جمهوری اسلامی است، قابل ادامه نیست اما در هر حال این تنها راهی است که در شرایط حاضر پراگماتیستهای هیات حاکمه آمریکا و "فاندامنالیستهای" حکومت اسلامی، هر یک برای حل و فصل مشکلات ویژه خود، در برابر خود دارند. در واقع سیاست هویج و شلاق از جانب دولت آمریکا، جزء مکمل سیاست "مذاکره با شیطان بزرگ" از جانب جمهوری اسلامی است.

اما سرنوشت این حکومت را نه مناسبات میان جناحها و دوری یا دوستیشان با آمریکا بلکه مبارزات مردم علیه کل نظام جمهوری اسلامی تعیین خواهد کرد. مساله مردم جنگ و آشتی میان بالایشها نیست، بلکه نفس وجود این ارتجاعیون، چه در شکل "مدرن" و چه قرون وسطائی اش، در حاکمیت است.

درد و امر مردم ایران نه

اصطکاک میان منافع اسلام سیاسی با سیاستهای منطقه ای آمریکا است، نه مجاهدتهای ضد آمریکائی جمهوری اسلامی است و نه بازار آزاد و دموکراسی نوع آمریکائی. مردم ایران برای آزادی و برابری و در دفاع از حرمت و هویت انسانی خود میجنگند. درد مردم ایران سنگسار و قطع دست و پا و کشتار دولتی از طریق پرتاب "مجرمین" از بلندی است. درد مردم ایران زندگی زیر خط فقر است. بیکاری و گرانی و قحطی نان و گاز و ابتدائی ترین حوائج زندگی است. درد مردم آبیارتاید جنسی و تحمیل یک زندگی دون شان انسان به نیمی از جامعه است. و دقیقا همین ها مسائلی است که در رابطه بین دولت آمریکا و سایر دول غربی با جمهوری اسلامی کمترین تاثیر و جایگاهی ندارد. از نظر دولتهای غربی اسلام سیاسی تا آنجا فاندامنالیست و تروریست محسوب میشود که با سیاستها و اهداف آنان تناقض داشته باشد و بس! رابطه حکومتهای اسلامی با مردم در این معادله جانی ندارد.

اما در افکار عمومی جهانیان و از نقطه نظر مردم شریف و آزاده دنیا آنچه مردود و محکوم است توحش و جنایت علیه انسانها است. هر دو قطب تروریستی عصر ما در این جنایت علیه بشریت شریک و همراه و مکمل و تقویت کننده یکدیگرند. باید رابطه متقابل بین جنایات تروریسم دولتی و اسلام سیاسی را به مردم دنیا نشان داد. باید در برابر "جنگ با تروریسم" نوع آمریکائی، اعتراض انسانی و متمدنانه و آزادیخواهانه ای را قرار داد که مدتهاست در جامعه ایران با پرچم "آزادی، برابری، هویت انسانی" درگیر یک جدال هر روزه با جانیان حاکم است. باید با صدای بلند اعلام کرد که حکومت اسلامی قاتل مردم ایران است و باید مانند رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی در جهان طرد و منزوی شود. این پیام مردم ایران خطاب به تمامی آزادیخواهان و انسانهای شریف و آزاده در سراسر جهان است. *

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی..

میکشند، کمپینی را به اسم "انتخابات آزاد" راه انداخته اند. هدف اصلی این آزادی انتخاباتی که اینها میخواهند، حتی خود انتخابات هم نیست. ایستاده اند در صف و دارند حال که با موشک کروز نشد، از آمریکا لغو نظارت استصوابی را به این وسیله لایه میکنند.

این پروژه که اسم قبلی اش رفاندم بود و از شصت میلیون دات کام به شصت نفر دات کام در عرض مدت کوتاهی رضایت داد، ویتترین عوض کرده است. خود همین که رویشان نمیشود با اسم قبلی اش صدایش کنند، گواه این هست که نمیخواهند رسوایی و شکست آن را ضمیمه تقلائی جدیدشان کنند. چه ابله هستند اینها که مردم ایران را نمی شناسند، تصور میکنند اگر اسم یک پروژه شکست خورده را عوض کنند، میتوانند به اسم انتخابات آزاد این جنس بنجلی را که روی دستشان باد کرده به کسی بفروشند.

انتخابات به اصطلاح آزاد اینها که نظارت مراجع بین المللی یعنی آمریکا و دول غربی را به جای نظارت "استصوابی" گدایی میکند در واقع هدفش برکناری نرم خامنه ای و جناح ایشان و خلع ید کردن اینهاست. هدفشان تغییر نظام از بالا بواسطه استحاله و دادن بخشی از حکومت و هزینه کردن آن برای حفظ کل ماشین قتل و جنایت حاکم بر ایران از خطر تعرض توده های مردم است. جواب خامنه ای بویژه در یزد به همه اینها و بخصوص آنها که در صف حکومت و حاشیه آن دارند از در و دیوار سفارت آمریکا برای بند و بست بالا میروند این بود که اولاً رابطه با غرب کلیدش در دست خامنه ای است. ابتکار پیشبرد این رابطه همانطور که ۳۰ سال پیش دست شخص خمینی بود، این بار دست خامنه ای است و خامنه ایی سهمش را میخواهد. خامنه ای میخواهد با حفظ موقعیت خود با آمریکا بسازد. پاسخ کیهان به پیام بوش در باره حمایتش از اصلاح طلبان! منطقه این بود که الان آمریکا باید با خود خامنه ای و احمدی نژاد برای ایجاد هر گونه تغییری در بالا بسازد و اینها هستند که طرف اصلی معامله هستند. منتهی هر دو طرف بدجوری در این نقشه گیر کرده اند. همه چیزش مهیاست. خامنه ای با دادن

سواری دادن به راست پرو غرب و استحاله نظام از بالا و تغییرات مخملی نرفتند. مردم ایران قبول نکردند که با توسل به دو دوزه بازی انتخاباتی يك آدمکش حرفه ای را ببرند، آن آخوند مرتجع را با حفظ اموال مسروقه اش به پشت صحنه بفرستند، دیگری را روانه خارج کنند. این مردم ایران بودند که نپذیرفتند. این مردم ایران بودند که در مقابل رفراندم ۱۸ تیر را قرار دادند، اعلام کردند نخیر این نظام باید برود! رفراندم در را ایران ۱۸ تیر شکست داد. موتور محرک قیام ۱۸ تیر چپ جامعه ایران بود. کمونیسم کارگری بود. کمونیسم کارگری آغوشش را برای ۱۸ تیر باز کرد، تحت حمایت کامل خود گرفت، از آن مراقبت کرد، جنبش را به جلو سوق داد، مانع دوم خرداد را از پیش پای آن جارو کرد. مردم ایران و چپها، کمونیست کارگرها نگذاشتند ایران را اوکرائین و قرقیزستان کنند. مردم و کمونیسم کارگری نگذاشتند خامنه ای چون شوارتز نازده به جنگلهای سیاه فرار و آنجا پنهان شود. مردم و کمونیست کارگری جلو این پروژه ایستادند. مردم و کمونیسم کارگری میدانند که اسلام سیاسی يك جنبش اجتماعی است. محال ممکن است بدون شکست دادن اسلام سیاسی بشود از طریق این راه لهلای مخملی جمهوری اسلامی را بدون تکان شدید و بدون دخالت مردم پشت صحنه فرستاد. مردم به این نظام نه گفته اند. انتخابات آزادی که این لشکر شکست خورده دم از آن میزند حکم آمدن بختیار را دارد. دیر است. نمی گیرد. این نوار نه فقط پا دارد که این بار سر هم دارد! این آن مانع اصلی است که عامل شکست این پروژه و عرضه مجدد آن با بسته بندی تازه است.

تازه اصلا جدا بیاید فرض کنید حرف اینها راست است. بروید در زمینشان. فرض کنید ایران گل و بلبل هست. انتخابات آزاد را در این رویای فرضی و مسخره امثال عبادی و یزدی توانسته اند با استقرار خود نیروهای کاخ سفید در تهران راه بیندازند و اصلا خود خامنه ای بیاید و از جمبرکان برای انتخاب کنندگان دست تکان بدهد!! مردم يك شبه این را به رویای گرفتن پادگانها و دستگیری و محاکمه سران نظام و تصرف صدا و سیما بدل میکنند. اینجا قرقیزستان نیست. الان در ایران

دست دو نسل علیه نظام در دست هم رفته است. نیرویی که این شکاف نسلی را پر کرده کمونیست کارگری است. از پس این دو نسل مذاب خود خدا هم بر نمی آید! چه رسد به این استراتژیهای کهنه و نخ نمای تاریخ مصرف گذشته! مردم نمی نشینند تا از صندوق کسی در بیاید. کافی است به زبان بیاورند که منظورشان چیست. دم و دستگاه کلشان را مردم به هم میریزند. این مردم ۳۰ سال هست گرسنه اند، تشنه اند، عطش دارند. کسی با این کلاهبرداریها جلو مردم بایستد آنها را به جای اینکه مهار کنند، جری میکنند. مردم میگویند انتخابات چی؟ ما همه اینها را با دین و آیتنشان، با زن ستیزیشان، با فقر و محرومیت و... نمی خواهیم. مردم مدنیتهاست انتخابشان را کرده اند. و این درست همان چیزی است که سناریستهای مخملی نمی فهمند. این يك نمونه آن. خانم مهرانگیز کار که اخیراً الگوی "زن مسلمان" را خانم بینظیر بوتو دانسته و به نظر ایشان عجب شهامتی است که بوتو با وجودی که محصول ارسالی غرب به پاکستان بوده، حاضر شد حجاب به سر بکند، اما ماتیکش هم پادش نرفت! زاویه زنانه را برای ساپورت کردن رفراندم و انتخابات به اصطلاح آزاد برگزیده است. ایشان میگویند:

"هرگاه ایرانیان بتوانند با انتخابات آزاد نمایندگان خود را روانه مجلس کنند آن وقت است که مطالباتشان به جایی می رسد و می توانند از نمایندگان خود در مواردی که حقوق مردم را پاس نمی دارند مؤاخذه کنند. فقط در صورت برخورداری از انتخابات آزاد است که تریبون های مجلس بی وقفه حقوق بر باد رفته زنان را تذکر می دهد و پیروزی زنان را که با امکانات اندک حاصل می شود می ستاید. بیشتر افرادی که اینک بر کرسی نمایندگی تکیه زده اند، خویشان خویش به برابری عقیده ندارند، چگونه می توانند حامی و حافظ برابری بشوند. هنوز یکی از سیزده نماینده زن حاضر در مجلس هفتم شورای اسلامی محض رضای خدا تریبون را يك بار هم در اختیار نگرفته تا مثلاً ضمن يك نطق پیش از دستور بگوید: فوتبال زنان ایران نیازمند پول است. نیازمند اسپانسر است. نیازمند کمک مردمی است. اما به دلیل آنکه بازی فوتبال زنان از تلویزیون پخش

نمی شود، هیچ اسپانسری حاضر نیست در بخش بانوان سرمایه گذاری کند."

اگر از ایشان پرسید خب برای این "ایرانیان" چه کسی انتخابات آزاد را برگزار میکند، پروژه پوشالی اینها گندش بیرون میزند. این جوك هست که خامنه ای بیاید و اعلام کند که خب مردم بیایید انتخابات میکنم مرا کنار بگذارید! رای بدهید تا زندهای مملکت ما، همانها که ما روی صورتشان اسید می پاشیدیم، سالی ۱ میلیون و نیمشان را به گزارش خود ارگانهای نظام به جرم بدحجابی دستگیر میکنیم، سنگسار میکنیم، جاسازیشان کرده ایم، آزاد بشوند برای خانم مهر انگیز کار فوتبال بازی کنند!

این ته ته سیاست اپوزیسیون درمانده این مملکت هست که از ترس مردم حالا که پروژه اش با خاتمی رسوا شد، آمده از پنجره پروژه پرو غریبی اش را بیآورد. تمام تصویرش از تصویر مردم در باره آزادی و حقوق زن این هست که دیگر حتی در خود کراچی و اسلام آباد و جدو و دبی هم کار نمیکند! معلوم نیست در این طرح آن نمایندگان که به نفس خویشان خویش برای آزاد نبودن زن آدم کشته اند چه جورى بکهر به رای صندوقها لبیک گفته و رفته اند به همین سادگی دنبال کارشان تا نمایندگان خانم کار که از صندوقهای مخملی در آمده اند بیایند و فوتبال زنان را ساپورت کنند! سپاه کجاست در این تصویر؟ خامنه ای کجاست؟ مرتضوی و هاشمی و خاتمی کجایند؟ ارتش کجاست؟ نکند زندانها درهایشان مهر و موم باشد؟ حجاب چه شده؟ آپارتاید جنسی کجا رفته؟ بساط بی حقوقی زن در سراسر این مملکت را اصلا جارو کرده اند یا نه تازه در تصویر این حکومت راز مگویی سربازان غیبی امام زمان ارسالی از غرب، تازه بعد از برگزاری "انتخابات آزاد" باید بیایند و از این صحبت کنند که چرا تلویزیون فوتبال زنان را پخش نمی کنند؟ این تمام آزادیخواهی نمایشی این صف هست.

این نمیگردد. تصویر مردم ایران از آزادی و حقوقشان را الان چپ قالب زده است. اینها دیر رسیده اند. این تصویری که مردم از آزادی و برابری دارند آنها را تا آنسوی مرزهای

دبیرکل سازمان معلمان ایران به ۳ سال زندان محکوم شد

طی یک ماه گذشته و در سالگرد اعتراضات قدرتمند و پرشکوه معلمان، رژیم فشار بر فعالین اعتراضات معلمان را افزایش داده است

بنا به خبری که امروز ۱۷ ژانویه، برابر با ۲۷ دیماه منتشر شده است، علیرضا هاشمی، دبیرکل سازمان معلمان ایران و نویسنده بیانیه اعتراضی معلمان به سئوالاتی مربوط به جزئیات زندگی شخصی محمد پیغمبر مسلمانان، از جمله نوع و شیوه غذا خوردن و رنگ موی وی، که در آزمون زمستان سال گذشته توسط دولت به کار برده شده بود، توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر تهران به ۳ سال زندان محکوم شد. وی قبلا در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به جرم "اقدام علیه امنیت ملی، اخلال در نظم عمومی و ترمذ از دستور پلیس" به سه سال زندان محکوم گردیده بود. جمهوری اسلامی قرار است علیرضا هاشمی را روز ۸ فوریه برابر با ۱۹ بهمن به زندان بفرستد.

جمهوری اسلامی تا کنون سازماندهندگان دیگری از اعتراضات سال گذشته معلمان را به ۳ تا ۵ سال زندان محکوم کرده است، اما بجز علیرضا هاشمی، احکام سایر معلمان تعلیق شده است. در این خصوص علیرضا هاشمی میگوید: "عناوین اتهامات همان است که در پرونده سایر فعالان آمده است، اما حکم صادره در مورد من تعلیق نشده است و من علت آن را نمی دانم."

در یک ماه گذشته و با نزدیک شدن به سالگرد اعتراضات معلمان، تعداد زیادی از معلمان به دادگاه احضار شده، تعدادی حکم زندان و تعلیق گرفته و بعضی تبعید شده‌اند. علی پورسلیمان طی حکمی در تاریخ ۲۳ دیماه به ۳ سال زندان محکوم گردید، که این حکم به مدت ۵ سال به تعلیق افتاد. یوسف مصطفالی به ۳ ماه "انفصال از خدمت" محکوم شد. محمود باقری، عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان که در فروردین ماه امسال یکماه در زندان اوین بود، روز ۹ دیماه به دادگاه احضار شد که به علت غیبت نماینده

حزب کمونیست کارگری محکومیت علیرضا هاشمی و سایر معلمان را شدیداً محکوم می‌کند و

برنامه حزب چه می‌خواهد؟

عضو دفتر سیاسی پاسخ میدهد

"برابری حقوقی کلیه ساکنین کشور مستقل از تابعیت برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی.

شمول یکسان قوانین کار و رفاه اجتماعی بر همه کارگران مستقل از تابعیت.

صدور جواز ورود، اقامت، اجازه کار و کارت های بیمه و غیره برای همه متقاضیان اقامت در ایران."

از برنامه یک دنیای بهتر

انترناسیونال: در هفته های اخیر جمهوری اسلامی یک هجوم فاشیستی به پناهجویان از کشور افغانستان سازمان داده است. اگر این برنامه اجرا میشد، این پناهجویان در چه موقعیتی قرار میگرفتند؟ **کاظم نیکخواه:** آنچه که در قبال پناهندگان افغانی در ایران انجام میشود، بی اغراق مشابه آن سیاستهای فاشیستی و جنایتکارانه ای است که در آلمان هیتلری علیه "یهودیان" صورت گرفت. (یهودیان را در گبومه میگذازم چون وقتی رسانه های غربی از کشتار یهودیان سخن میگویند عامدانه کشتار هزاران فعال چپ و کمونیست و رهبران کارگری را خط میزنند و از حافظه تاریخ پاک میکنند. اینجا هم پای مصالح خرد طبقاتی شان دارد عمل میکنند. در واقع هیتلر کمونیستها و کارگران فعال را بعنوان "عوامل یهودیان" میکشست و سریه نیست میکرد. اینها هم همین روایت را عامدانه پذیرفته اند. بگذریم) گفتم آنچه در ایران علیه پناهندگان و کارگران افغانی انجام میشود همان نوع سیاست است. فقط کوره های آدم سوزی را کم دارد. تازه از این نظر هم جمهوری اسلامی چندان کم نیاورده است. نمونه هایی ازین دست بهیچ وجه کم نیست که کارگر افغانی را که پنج دقیقه فرصت میخواست که اجازه دهند دستمزدش را از کارفرما بگیرد و بعد راهی اردوگاه پناهندگان شود، پاسداران از بالای داریست به

از همه مردم و بخصوص معلمان می‌خواهد که به این احکام قرون وسطائی اسلامی اعتراض نکنند و

آزادی، برابری، حکومت کارگری

همه انسانهاست و کسی اجازه ندارد او را از چیزی محروم کند. این سیاست که میان مردم بر اساس تابعیت تبعیض قائل میشود همانطور که گفتم یک سیاست فاشیستی است. اما این را هم فوراً باید یاد آور شد که فاشیسم آشخورش ناسیونالیسم است. در واقع جنسشان یکی است. ناسیونالیسم به بحران افتاده به فاشیسم تبدیل میشود. پوشش محترمانه اش را کنار میگذارد و بجان مردم منتسب به ملیتهای مختلف می افتد. این اتفاقی بود که در آلمان و در ایتالیا و ژاپن دوره جنگ جهانی دوم افتاد. در ایران هم تهاجم به کارگران و پناهندگان افغانی با پرچم ناسیونالیسم انجام

میشود و دعای خیر همه ناسیونالیستها را همراه خود دارد. بهرحال ما به عنوان کمونیستهای کارگری علیه ناسیونالیسم هستیم. علیه هرگونه تبعیض هستیم. از برابری حقوقی و اجتماعی همه مردم مستقل از تابعیت و مذهب و رنگ و نژاد و جنسیت دفاع میکنیم. این بندی که شما از برنامه اینجا نقل کرده اید در کنار بندهای متعدد دیگری قرار دارد که تبعیض ملی و جنسی و نژادی و هرگونه تبعیضی میان انسانها را کلا مردود و ممنوع اعلام میکنند. در ایران تحت حکومت اسلامی و سلفش حکومت پهلوی، نه فقط پناهندگان مورد تبعیض آشکار قرار میگيرند بلکه مردم منتسب به ملیتها و اقلیتهای مختلف بخاطر زبان و لهجه و انتسابشان به ترك و كرد و بلوچ و غیره تحقیر میشوند، مورد تبعیض قرار میگیرند، از حقوق انسانی حتی در همان حد محدودی هم که تحت این نظامهای سرمایه داری معنی دارد محروم میشوند. ما علیه همه اینها هستیم. من فکر میکنم مردم در ایران زمانی که آنقدر آگاه شده باشند که در صفوف میلیونی به خیابان بیایند و از برابری بی قید و شرط کلیه ساکنین کشور مستقل از تابعیت و مذهب و جنسیت و رنگ پوست قاطعانه دفاع کنند، آن وقت است که میشود گفت این مردم را دیگر کسی نمیتواند در زیر ظلم و محرومیت نگه دارد. *

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ ژانویه ۲۰۰۷، ۲۷ دیماه ۱۳۸۶

موسی حسین یکی از کمونیستهای برجسته کرکوک توسط تروریستها به قتل رسید

طبق اطلاعاتی که از "حزب کمونیست کارگری چپ عراق"، غروب روز جمعه ۱۱ ژانویه ۲۰۰۸ موسی حسین مسئول تشکیلات کرکوک حزب کمونیست کارگری چپ عراق و یکی از کمونیستهای محبوب این شهر، در داخل مقر این حزب با شلیک چند گلوله یک باند تروریستی به قتل رسید. حزب کمونیست کارگری چپ

عراق در مورد عاملان این ترور نوشته است: "حزب کمونیست کارگری چپ عراق انگشت اتهام را بطرف جریانات و باندهای اسلام سیاسی میگیرد که در این شهر سر بلند کرده اند. در همانحال، حزب مسئولین حکومتی این شهر را مورد بازخواست قرار میدهد که کوچکترین امنیت و آسایشی برای مردم این شهر در مقابل باندها و دارودسته های

اسلامی تامین نکرده اند. حزب کمونیست کارگری چپ عراق همه تلاش خود را برای شناسائی بانیان این ترور بزدلانه و معرفی آنها به مردم خواهد نمود". ترور فعالین کمونیست در این کشور گوشه ای از شرایط سیاهی است که توسط دو قطب تروریسم بین المللی از یکطرف و جریانات قوم پرست و ناسیونالیست بر مردم این کشور حاکم شده است. با قتل

موسی حسین حزب کمونیست کارگری چپ عراق یکی از کادرهای محبوبش را از دست داد اما دیر یا زود قاتلین و جنایتکاران به حساب اعمال خود خواهند رسید. حزب کمونیست کارگری ایران این عمل جنایتکارانه تروریستی را شدیداً محکوم میکند و صمیمانه به خانواده و دوستان و همزمان موسی حسین عزیز و حزب کمونیست کارگری چپ

عراق تسلیت میگوید و خود را در اعتراض بحق مردم این کشور و حزب کمونیست کارگری چپ عراق علیه آنچه توسط جریانات ارتجاعی و جنایتکار بر عراق و کردستان عراق حاکم شده است، شریک میدانند و از مبارزه عادلانه آنها قاطعانه حمایت میکند. یاد موسی حسین عزیز گرامی باد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ ژانویه ۲۰۰۸، ۲۴ دیماه ۱۳۸۶

از صفحه ۱ دولت در قبال همه این ...

از دوستان نقر قربانی گرفته است. بنا به خبر ۲۲ دی ایرنا خبرگزاری رسمی دولتی در اذربایجان شرقی ۷۱ نفر بدلیل استفاده از وسایل زیر استاندارد سوختی و گاز گرفتگی دچار خفگی شده و جان باختند. در همین رابطه در خبر دیگری از کشته شدن ۱۰ نفر در تهران و ۲۷۰ مورد گاز گرفتگی در هفته گذشته گزارش میشود. همچنین دو هفته قبل بود که روزنامه ها خبر از جان باختن ۲۵ انسانی که به آنها کارتن خواب اطلاق میشود را دادند. با قطع گاز، در بسیاری از شهرها مدارس تعطیل شده اند. بعضاً کارخانجات را تعطیل کرده اند. نبود گاز منجر به گران شدن و نایابی نان، صف های طولانی خرید نان و وسایل گرما شده است. خیلی ها بخاطر سرما و نبود وسایل گرما کارشان به بیمارستان کشیده شده است و بیمارستانها نیز توان پذیرش همه این بیماران را ندارد. ابعاد تراژیک انسانی مساله قطع گاز و ضایعات جانی ان بسیار تکان دهنده تر و گسترده تر از آنست که رژیم انرا منعکس میکنند. همه چیز حاکی از رها شدن انسانهای بی پناه در کام سرما و بی تاملی است. بی امکاناتی مطلق جامعه و نبودن کمترین تامین اجتماعی و فقر روز افزون مردم به ابعاد این مساله شدت بیشتری داده است. گویی در قرون وسطی زندگی میکنیم. با هر اتفاقی، زلزله، قطع گاز، سیل و غیره ما شاهد قربانی

پیش در انزلی بود که مردم هنگامیکه شهردار به خیابان آمده بود که فضای اعتراضی را آرام کنند، به او هجوم برده و کتکش زدند و پس از آن در مقابل فرمانداری تجمع کرده و به طرف ساختمان فرمانداری سنگ میزدند و هیچکدام از مقامات فرمانداری نیز جرات حضور در میان مردم را نداشتند. یا اینکه در همین سفر اخیری که احمدی نژاد به مازندران داشت، مردم در اعتراض به این وضعیت استانداری را آتش زدند. در کل اوضاع بشدت ملتهب است و مردم بدرست دولت را مسئول این وضعیت میدانند. دولت نیز بشدت وحشت زده شده است. در همین مدت جلسات متعدد اضطراری سران دولت تشکیل شده است. جلساتی که طبعاً موضوع اول آن تقابل با موج اعتراضی مردم است و دستور بعدی آن اتخاذ تمهیداتی فوری برای کاهش هزینه گزاف این جنایات در قبال مردم. این اعتراضات انچنان ابعادی یافته است که مقامات دولت که ابتدا مساله را به اشکالات فنی در ترکمنستان حواله میدادند، اکنون دارند از دزدی های کلانی که در همین رابطه در شرکت گاز صورت گرفته است، سخن میگویند. بگذریم که اینجا نیز در میان اختلافات داخلی خود، گوشه ای از حقایق را برملا میکنند. در میان همه این اظهارات، سخنان جمشیدی سخنگوی قوه قضاییه شنیدنی است. او در گفتگویی با

خبرگزاری ها در رابطه با این موضوع از رشوه خواری سه نفر از مقامات شرکت گاز به مبلغ دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان سخن میگوید. تازه این گوشه کوچکی از بجای بجای ها و دزدی های کلانی است که در درون مقامات مختلف این حکومت و آقازاده هایشان صورت میگیرد. در هر حال نکته مهم اینست که اوضاع خظیر است و مساله جان و زندگی انسانهاست. باید با اعتراضی سراسری، متشکل و قدرتمند در برابر این وضعیت بایستیم و به اینهمه جنایت پایان دهیم. باید این موج اعتراضی را که هر روز گسترده تر میشود را با خواستهای روشن و شفاف متحد کنیم و اعلام کنیم که دولت در قبال همه این فجایع مسئول است و باید پاسخگو باشد. باید گفت که اگر امروز گاز قطع شده است، دولت موظف است با تامین امکانات دیگر سوختی این معضل را برای مردم حل کند. دولت باید خسارت همه این بلایایی که این مدت بر سر مردم آمده را متقبل شود. باید خانواده هایی که بخاطر سرما فرزند و یا نان آور خانه خود را از دست داده اند زیر پوشش تامین اجتماعی قرار گیرند و به آنها خسارت پرداخت شود. باید با واگذاری رایگان برق به مردم کمک شود تا بتوانند با این سرما و با این بی امکاناتی مقابله کنند و زنده بمانند. باید بیمارستانها بصورت رایگان و مجانی بیماران را مداوا کنند. چرا دولت نمیتواند

پادگانهایش را ببندد و سوخت آنرا در اختیار جامعه قرار دهد. باید کارگری که امروز بدلیل نبود سوخت کارخانه اش را تعطیل کرده اند فردا حقوق و مزایای خود را بطور کامل دریافت کند. چرا باید با قطع گاز قیمت نان افزایش یابد. دولت باید برای نان سوسیسید پردازد. اجازه ندهیم که قطع گاز بهانه ای برای دزدی و احتکار یک مشت سودجو باشد. اجازه ندهیم که محترکین از این فرصت استفاده کنند و زندگی مردم را به گرو بکشند. باید خودمان در هر محل توزیع نان و وسایل سوخت را بدست گیریم. باید همه اینها بصورت خواستهای روشن و قطعنامه های اعتراضی از سوی مردم اعلام شود و برای پیشبرد این خواستها، بکوشیم تا در تمام شهرها و محلات امور زندگی خود را در دست بگیریم و با بیشترین همیاری و با یک استاندارد بالای انسانی مبارزه ای متحد را در برابر این بی مسئولیتی دولت سازمان دهیم. این نقش فعالین چپ و رادیکال است که در جلوی چنین اعتراض و مبارزه ای قرار گیرند. بویژه جوانان چپ و رادیکال در هر محل میتوانند نقش موثری در شکل دادن به چنین اعتراضی داشته باشند.

خلاصه اینکه حرف آخر ما اینست و میگوییم شما که نمیتوانید جامعه را اداره کنید، بروید کنار ما خودمان امورمان را در دست میگیریم. باید به عمر ننگین این رژیم و به این توحش سرمایه خاتمه داد.*

باید با شجاعت از حقوق جهانشمول انسان دفاع کرد

گزارشی از جلسه سخنرانی مینا احدی در شهر ویس لوخ آلمان



روز یکشنبه ۱۳ ژانویه مینا احدی بنا به دعوت حزب لیبرال آلمان در شهر ویس لوخ در رابطه با اسلام و نفوذ اسلامیستها در آلمان سخنرانی بسیار موفق داشت. در این مراسم که کلیه مسئولین استان بادن و تمبورگ حضور داشتند از جمله شهردار ویس لوخ و چند تن از نمایندگان مجلس در آن استان سخنرانی کردند.

مینا احدی در سخنرانی خود، مروری کرد به سیاستهای دولت آلمان، در مورد مهاجرین و پناهندگان، و با نقد شدید این سیاستها اعلام کرد که اکنون مشکلات بیشتر شده و با همکاری و ماماشات دولت آلمان با سازمانهای اسلامی، نقش و نفوذ اینها در

در این جلسه چندین خبرنگار از شهر ویس لوخ حضور داشتند که گزارش و عکس تهیه کردند.
شورای مرکزی سازمان اکس مسلم- آلمان
۱۳ ژانویه ۲۰۰۸

میکشید، به شدت رگه های راسیستی در جامعه را به نقد کشید. سخنرانی مینا مورد توجه حضار قرار گرفت سپس سوالات متعددی از طرف شرکت کنندگان مطرح شد که به تمامی سوالات پاسخ داده شد.

با محکومیت این دوقطب، از انسانیست و حقوق انسانی و جهانشمولی حقوق انسانی دفاع کرد. بین سخنان با استقبال پرشور حاضرین روبرو شد. مینا احدی ضمن اینکه اسلام سیاسی را به نقد

از صفحه ۱ تلویزیون کانال جدید شایسته...

تریبونی در دفاع از مبارزات آزادیخواهان مردم علیه نابرابری، فقر، بیحقوقی، محرومیت و تریبونی در دفاع از مبارزات وسیع و امیدبخش مردم علیه جمهوری اسلامی، برای یک زندگی بهتر، یک زندگی عادلانه و انسانی.

کانال جدید اساسا به زبان فارسی و برای بینندگان فارسی زبان در ایران و منطقه و در اروپا است. ساعاتی از آن نیز به زبان انگلیسی و همچنین عربی، کردی و ترکی پخش میشود. کانال جدید در طول حیات خود به امیدی برای مردم ایران تبدیل شده است که بدون سانسور حرفشان را با بینندگان این کانال در میان بگذارند.

مادران و پدران که فرزندانشان به جرم مخالفت با حکومت در زندان بسر میبرند و کلای زندانیان سیاسی، فعالین کارگری، فعالین حقوق زن، مادران و پدران که فرزندانسان سالها است در زندان منتظر اجرای حکم جنایتکارانه اعدام بسر میبرند از این تریبون مجال صحبت پیدا میکنند و حرفشان را، اعتراضشان به این وضعیت غیرانسانی را به گوش بقیه مردم میرسانند. کانال جدید تاکنون

میکرد، در جریان است. کانال جدید تریبون این جنبش است. این جنبش خود شما و آرمانهای آن آرمانهای اصیل خود شما است. این جنبش به این تریبون نیاز حیاتی دارد و این تریبون برای تداوم برنامه های خود به کمک مالی شما شدیداً نیازمند است. با کمک به کانال جدید از مردمی حمایت میکنید که با سرنگونی جمهوری اسلامی میشر آزادی مردم کل منطقه خاور میانه از شر طاعون اسلام سیاسی خواهند شد و بهانه دخالت های نظامی و تحریم اقتصادی توسط دولت آمریکا و حامیانش را نیز میگیرند. این جنبش و تریبون آن شایسته کمک مالی همه مردم آزاده و انساندوست دنیا است.

شماره حساب برای کمک مالی:
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
England

برای پرداخت کمک از ایران با کانال جدید تماس بگیرید تا راه مناسب به شما معرفی شود.
آدرس کانال جدید:
<http://www.newchannel.tv/>

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.
تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

جمهوری اسلامی مسبب مرگ ۹۰ نفر از مردم بخاطر سرما و گاز گرفتگی است اطلاعیه شماره ۴، اعتراض به بی توجهی دولت در تامین گاز و نان و ...

نفت و گاز و برق را به رایگان در اختیار مردم قرار دهد. باید وادارشان کرد به این خواست تن دهند. مردم هر شهر و محل دسته جمعی تصمیم بگیرند و از پرداخت پول برق و گاز خودداری کنند و این روحیه را به ایجاد همبستگی و سازمانیافتگی بیشتر تبدیل کنند. باید دولت را مجبور کرد به خانواده هائی که اعضای خود را بخاطر گاز گرفتگی و سرما از دست داده اند غرامت پرداخت کند و خانواده هائی را که نان آور خود را از دست داده اند برای همیشه تامین کند. اینها حقوق حقه مردم است و باید با اعتراض دسته جمعی به دولت تحمیل شود.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ ژانویه ۲۰۰۸، ۲۷ دیماه ۱۳۸۶

نظام و حکومت کثیف اسلامی است. خشم و انزجار مردم باید به همبستگی و اتحاد و سازمان یافتگی بیشتر مردم برای خلاصی از شر این نظام منجر شود. اما تا انداختن این حکومت و ایجاد یک جامعه انسانی، باید با تحمیل خواستههای خود به جمهوری اسلامی مشقات خود را کم کنیم. تنها گسترش اعتراض است که رژیم را وادار میکند سر کيسه ها را شل کند و سریعتر به خواستههای مردم برسد.

مردم خود باید کنترل توزیع را بعهده بگیرند. باید مجبورشان کرد هرچه سریعتر گاز و نفت و سایر وسائل گرمائی را در میان مردم را رایگان در میان مردم توزیع کنند. یک ریال نباید بابت برق به دولت پرداخت کرد. ترسیده اند و دستور داده اند قبضه‌های برق فعلا برای مردم ارسال نشود. این مشکل مردم را حل نمیکند. تا زمانی که این بحران برطرف نشده و وضع گاز و نفت و غیره به حالت عادی برنگشته دولت موظف است

تلاش میکند مطلقا با مردم روبرو نشود. اینها در حالی است که موج جدید سرما از روز دوشنبه کشور را فرا خواهد گرفت.

تلاش میکنند برای منحرف کردن اذهان مردم و محدود کردن دامنه نفرت آنها، سرما و تغییرات جوی را مسبب این وضعیت معرفی نماید. میگویند افزایش مصرف "بی رویه سوخت" موجب بحران گاز است و عده دیگری از خودشان بحران گاز را به "ضعف مدیریت" احمدی نژاد مربوط میکنند. هردو دار و دسته دروغ میگویند. مشکل خود حکومت است و نظامی که حکومت از آن حمایت میکند. فقر، بیخانمانی، گرانی، بیکاری، دستمزد ناچیز آنها یک درمیان پرداخت نشده، بیحقوقی، نابرابری، رشوه و دزدی های صدها میلیون دلاری در میان مقامات و مدیران و مسئولان، گسترش سرسام آور اعتیاد و تن فروشی در جامعه، و هزار مصیبت دیگر همه یک عامل دارد و آن سرمایه داری و دولت اسلامی آن است. اگر چیزی باید عوض شود این

نفر از کودکان تا افراد سالخورده، از بیماران تا شاغلین کارخانه ها و بعضا دانشگاهها و ادارات فلج شده است.

این گوشه ای از زندگی فلاکتباری است که بر سر مردم نازل کرده اند. کل طبقه سرمایه دار و پیشاپیش آن، دولت اسلامی سرمایه مسئول این فاجعه اند. مسئولین حکومت و انواع دار و دسته های آنان فقط دروغ تحویل مردم میدهند و اعتراض بحق مردم را با سرکوب پاسخ میدهند. پاسخ مردم نیز خشم و نفرت و اعتراض است. برپادارندگان این جهنم زمینی را میشناسند و تردیدی در اینکه این حکومت را باید سرنگون کنند ندارند.

مقامات و باندهای حکومت به جان هم افتاده، تلاش میکنند با متهم کردن همدیگر، خودشان را از زیر تیر خشم مردم بفرار دهند. احمدی نژاد چنان از خشم و نفرت مردم به هراس افتاده که سفرهای استانی خود را لغو و به گفته مطبوعات خودشان چند روزی است مخفی شده است! او

در قرن بیست و یکم در کشوری که خود یکی از بزرگترین دارندگان نفت و ذخایر گاز جهان است، مردم آن در اثر کمبود گاز و وسائل سوختی تلف میشوند، قربانی میدهند، از سرما میبلزند، بیمار و خسته میشوند. به گزارش سازمان پزشکی قانونی رژیم، تاکنون ۹۰ نفر بر اثر سرما و گاز گرفتگی جان باخته اند. این آمار با توجه به همه تلاشی که تمام سران حکومت برای کتمان ابعاد بحران گاز میکنند، واقعی نیست. آمار از اینها بالاتر است. اکثر استانهای کشور کماکان با بحران گاز مواجهند و علیرغم وعده ها و گزارشاتی که میدهند هرروز تعداد بیشتری مشمول آن میشوند. قیمت برخی از کالاهای حیاتی مانند نان چنان افزایش یافته است که اکثریت مردمی که زیر خط فقر زندگی میکنند قادر به تهیه آنها نیستند. قیمت نان در برخی استانها سه برابر و چهاربرابر افزایش داشته است. شیوع بیماری و افزایش قیمت داروها، سلامتی مردم را بیش از پیش به خطر انداخته است. زندگی میلیونها

کارگران کاغذ سازی کارون شوستر باتفاق خانواده هایشان دست به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری شوستر زدند

حزب کمونیست کارگری از خواسته های بر حق کارگران کاغذسازی کارون شوستر قویا حمایت میکند و کارگران را به برگزاری منظم مجمع عمومی خود فرامیخواند. حزب همچنین از کارگران منطقه و مردم آزادیخواه شوستر میخواهد که کارگران کاغذ سازی کارون شوستر و خانواده های آنان را وسیعا مورد پشتیبانی و حمایت خود از جمله حمایت مالی قرار دهند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ ژانویه ۲۰۰۷، ۲۷ دیماه ۱۳۸۶

اعتراضات خود همراه با خانواده هایشان ادامه خواهند داد.

لازم به یادآوری است که کارگران کاغذ سازی کارون شوستر پس از برگزاری مجمع عمومی در روز جمعه سی ام آذر ماه در محل تعاونی مسکن خود تصمیم گرفتند که متحد و یکپارچه به اعتراضات خود ادامه دهند. بدین منظور ابتدا در روز شنبه ۸ دی ماه در محل شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران با اعلام مجدد مخالفت با بیکارسازی بر ادامه اعتراضات همراه با خانواده های خود تا تحقق خواست بازگشت بکار و سایر مطالبات برحقشان به تجمع اعتراضی خود پایان دادند.

معیشتی و رفاهی قرار دارند یکبار دیگر خواستار بازگشت بکار فوری، تمدید دفترچه های بیمه تامین اجتماعی و پرداخت دستمزدهای معوقه بمدت ۱۰ ماه شدند. مسئولین فرمانداری دنبال تماس با اداره کار و امور اجتماعی شوستر اعلام کردند که قرار شده است به این کارگران بیمه بیکاری بدهند. اما کارگران که در ابتدای سال جاری با پاره کردن و سوختن احکام معرفی برای گرفتن بیمه بیکاری مخالفت شدید خود را با این تصمیم دولت و کارفرما اعلام کرده بودند بشدت به این تصمیم اعتراض کرده و خواستار راه اندازی مجدد کارخانه و بازگشت بکار فوری خود شدند؛ و تاکید کردند که تا تحقق خواسته هایشان به

توسط ماموران در محاصره قرار داشتند به حضور آنها وقعی ننهاد و در فضائی اعتراضی به تجمع خود ادامه دادند؛ و تعدادی از مردم آزادیخواه توانستند به تجمع اعتراضی آنان بپیوندند. مردم به اشکال مختلف استقبال و همبستگی خود را با تجمع اعتراضی کارگران ابراز میکردند.

تجمع کنندگان که تنها ممر درآمد و معیشت خود را از دست داده اند به بیان مشکلاتشان پرداختند. این کارگران ۱۰ ماه است که هیچگونه دستمزدی دریافت نکرده اند؛ و همچنین سازمان تامین اجتماعی از تمدید دفترچه های بیمه آنان خودداری میکند. کارگران و خانواده هایشان که بشدت در مضیقه

بنا به گزارش رسیده به حزب کمونیست کارگری، کارگران اخراجی کاغذسازی کارون شوستر باتفاق همسر و فرزندان خود از ساعت ۸ و نیم صبح تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۴ دی ماه ۸۶ در مقابل فرمانداری شهرستان شوستر واقع در خیابان طالقانی دست به تجمع اعتراضی زدند. ماموران پاسگاه نیروی انتظامی کلاتری ۱۱ فوراً به محل آمده تا با مرعوب ساختن تجمع کنندگان که قریب به ۸۰۰ نفر تخمین زده میشدند، مانع از پیوستن مردم بیشتری به آنها شوند. اما کارگران و همسران و فرزندانشان علیرغم اینکه

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

جامعه به چپ چرخیده است

مرتضی فاتح

پس از اعتراضات دانشجویی در ۱۳ آذر، بسیاری از احزاب و جریان های سیاسی به این نتیجه رسیدند که گویا به طور واقعی در جامعه ایران گردش به چپ صورت گرفته است. اما ۱۳ آذر امسال ادامه اعتراضات رادیکال و چپی بود که مدتهاست در جریان است.

روند این گردش به چپ و رادیکالیزه شدن را میتوان در اعتراضات گسترده کارگران و معلمان در سال گذشته و اعتراضات دانشجویان در ۱۶ آذر گذشته مشاهده کرد.

این فاکتور تحلیلی مهم از هنگام بروز اجتماعی خود به عنوان یکی از پایه های تحلیل شرایط و اوضاع وارد مباحث و سیاست عملی رهبری حزب کمونیست کارگری گردید.

از مدتها پیش در فضای فکری و فرهنگی جامعه مارکسیسم و جریانات مختلف منسوب به آن به مرکز توجه تبدیل گردیده بود. زمانی که جامعه از دوم خرداد گذشت شیخ مارکس و لنین بر فراز جامعه به گردش در آمد. هر روزنامه و نشریه ای که میخواهد خواننده ای داشته باشد به هر حال هر از مدتی باید به عکس یا مطلبی از و یا در

باره مارکس مزین باشد.

انتشار و توزیع گسترده متون لاییک و ادبیات رادیکال به صورت زیرزمینی و داد و ستد گسترده در این زمینه در سالهای گذشته با وجود مخاطرات عدیده نشان از گرایش جامعه به نقد مبانی وضعیت موجود از زاویه ای رادیکال بود. نتیجه چنین روندی را امروز در تجلیات گوناگون اعتراضاتی که ماهیتا چپ و سوسیالیستی هستند مشاهده میکنیم.

امروز در جامعه آژیتاتور سوسیالیست در مقابل تبلیغاتش از مردم و جامعه پاسخ هایی از قبیل زود است، نمیشود، یا شوروی که شکست خورد و... دریافت نمیکند، بلکه با گوشه های شنوا و تایید شوندگان مواجه میشود.

عواقب و تاثیرات منفی سرمایه و سرمایه داری از انقلاب ۵۷ به اینسو در جامعه عمیق تر و عینی تر گردیده و این پدیده طی سال های اخیر با قطبی شدن شدید فقر و ثروت در جامعه به واقعیتی ملموس و واقعی تبدیل گردیده است. نفرت عمیق زحمتکشان و مزدبگیران از مناسبات طبقاتی را (جدا از هر تحلیل و گرایش سیاسی) میتوان در ادبیات گفتاری و گفتگو های روزمره در باره زندگی و شرایط

موجود لمس نمود. نفرتی که سرمایه داران حاکم و ادیبانشان طی سالها با دوم خرداد و پرچم سه رنگ و تاریخ باستان و تساهل و تسامح... نتوانستند از دل جامعه بیرون کنند. در جهانی که در آن سرمایه حاکم بلامنازع است و شبکه ای وسیع از روشنفکران و سخنگویانشان شبانه روز به تایید و تبلیغ مشغولند، گرایش به چپ و سوسیالیسم در یک جامعه نمیتواند صرفا ناشی از تبلیغات سیاسی و یا نتیجه گسترش نظری باشد. این تبلور سوسیالیستی در جامعه نتیجه واقعی زندگی و شکاف عظیم طبقاتی است که هر روزه عمیق تر میگردد. خصوصا هنگامی که یک نیروی متشکل و متحزب سالها وجوه مختلف این شرایط غیر انسانی را نقد کرده و در برابر جامعه گرفته باشد، این گرایش سوسیالیستی گسترده تر و عمیقتر میشود.

نیاز به تغییرات رادیکال و اساسی در جامعه را امروز میتوان در مناسبات افراد یا یکدیگر، مناسبات و روابط خانوادگی، در موقعیت خانوادگی و اجتماعی کودکان، در نیاز و درک احترام به آدم ها به عنوان انسان، در درک زنان از موقعیت برابر با مردان و تنظیم

مناسبات بر این مبنا، و در تصویری که هر کسی از شرایط مطلوب اجتماعی مورد نظر خود تصویر میکند و... به روشنی دریافت. اگر چه ممکن است بسیاری از این آدها خود متوجه نباشند که آرزوها و خواسته هایشان تا چه حد سوسیالیستی و چپ است، اما در هر حال نیروهای اصلی این تحول هستند. این موقعیت نشاندهنده پیوستگی اجتماعی نیاز های انسانی و سوسیالیستی، که به گونه ای خودجوش در میان طبقه کارگر و سایر مزدبگیران شکل میگیرد است.

گردش به چپ و تفوق آلترناتیو سوسیالیستی در اعتراضات اجتماعی، امروز دیگر یک آرزو یا آرمان یا تحلیل دلخواه کمونیستها نیست. پس از اعتراضات کارگری و دانشجویی در همین روزها بسیاری از نیروهایی که گردش به چپ و تفوق آلترناتیو سوسیالیستی آرمان یا آرزویان هم نبود به این واقعیت اذعان نمودند.

همانگونه که گفته شد گرایش به چپ در جامعه علی العموم و تفوق آلترناتیو سوسیالیستی در جنبش های اعتراضی و در میان طبقه کارگر بطور اخص، ناشی از نیاز عمیق جامعه به تغییرات بنیادی در شرایط موجود است که جدا از هر تحلیل و نگرش، به طور واقعی در جریان است. جامعه ایران طی سال

ها آلترناتیوهای متفاوتی را در برابر خود مشاهده نموده است، اما هیچکدام از این راه حل ها نتوانسته اند به طور واقعی تغییری در شرایط موجود ایجاد کنند.

به همین دلیل گرایش جامعه به آلترناتیو سوسیالیستی، وظایف جدیدی را برای کمونیستهای متحزب و غیر متحزب تعریف میکند. کمونیستهای به هر دلیل غیر متحزب در شرایط حاضر، به عنوان فوری ترین وظیفه باید به صفوف حزب کمونیست کارگری پیوندند چرا که برای متحقق کردن آرزوهای میلیون ها انسان، ما نیاز به انسانهای بسیاری داریم که در یک صف متشکل شده اند. تحزب کمونیستها براترین سلاح آنان در برابر دشمن بشریت است.

اما کمونیستهای متحزب باید بیشترین امکانات و نیرو را در جهت پیشبرد و گسترش اجتماعی حزب بگذارند. در این میان تلویزیون از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ادامه کاری این ابزار بسیار مهم و ارتقا برنامه سازی، از موضوعاتی است که میتواند نقش برجسته ای در پیشبرد اهداف سوسیالیستی ما داشته باشد.

اکنون جامعه در شرایطی است که برای حل معضلات خود، بسرعت به سمت انتخاب طبقه کارگر و مشخصا گرایش سوسیالیستی اش میرود. باید با همه توان به استقبال این فراخوان رفت.*

از صفحه ۳ انتخابات آزاد در جمهوری ...

در تنها نقطه ای از جهان که فعلا این سیاست نگرفته ایران است. خانم کار و بقیه بدانند تا حزب کمونیست کارگری ایران هست بهتر است اینها به جای رفتن در این لابی رینت پر در دسر سیاسی تسلیم خواست مردم و حزیشان بشوند! باور کنید این راه کم دردسر ترین راه حل سیاسی جامعه ایران است.*

روبنای سیاسی و ایدئولوژیک و فرهنگی خود همین دول غربی هم به مصاف میکشاند! رژیم اسلامی باید سرنگون شود. رژیم اسلامی را نمیشود نه اهلی کرد، نه ذوب کرد، نه با ویتترین انتخابات آزاد با کلاهبرداری حفظ کرد و یا با هزینه کردن بخشی و فرستادن آنها به پشت صحنه از پس مردم برآمد. این سیاست نمیگیرد.

**سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض**

**به حزب
کمونیست
کارگری
پیوندید**

جلسات گفتگو با حمید تقوایی

**در چت روم اینسپیک و پلتاک
گفتار این هفته**

بحران گاز و

بحران "انتخابات"

مردم بچان آمده در برابر

حکومت درمانده!

برگ دیگری از پرونده سیاه جنایات رژیم!

زمان: جمعه ۲۸ دیماه ۸۶، ۱۸ ژانویه ۲۰۰۸

ساعت ۹:۳۰ شب بوقت ایران

۷ شب بوقت اروپای مرکزی

۱ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

مکان: اطاق ایران - با حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

یک دنیای بهتر

**برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

یک هشت مارس رادیکال و سراسری در گرو چیست؟

ناصر احمدی: اولین سؤوالم در رابطه با نحوه تلاش حزب کمونیست کارگری برای ۸ مارس است و دومی هم مربوط به طرد شدن جمهوری اسلامی و بسته شدن سفارتخانه های رژیم است. همه میدانیم که امسال صدمین سال روز جهانی زن است و از نظر سازماندهی در ایران هم مسلما حزب مثل تمامی سالهای گذشته فعال خواهد بود. سؤوال من اینست که در رابطه با ۸ مارس شما روی چه محورهایی انگشت میگذارید؟ آیا میتوانیم رادیکالیسم و گستردگی اعتراضات ۱۶ آذر را در مراسم ۸ مارس نیز داشته باشیم؟ چه کنیم که برخلاف سالهای پیش که صرفا در یکی دو پارک آنهم فقط در سطح تهران برگزار میشد این بار نه تنها در اغلب شهرهای ایران اتفاق بیافتد بلکه با تجمع های مختلف در مکانهای متفاوتی برگزار شود؟

حمید تقوایی: در مورد هشت مارس ابتدا باید گفت که در چند سال اخیر اولاً این روز از جانب چپ

جامعه بعنوان روز جهانی زن (در مقابل روزهای سلطنتی و اسلامی) در میان مردم و در جنبش آزادی زن تثبیت شده است و ثانياً در این روز مراسم بزرگداشت زن و اعتراض به بیحقوقی زنان در اشکال رادیکال و نسبتاً گسترده ای برگزار شده است. اگر یادتان باشد سال گذشته علیرغم اینکه رژیم اجازه نداد مردم در پارکها و مراکز دیگر دست به تجمع بزنند ولی به طور گسترده ای در خیابانها و در سطح شهرهای مختلف مردم روز جهانی زن را بزرگ داشتند و یک فضا و جو رادیکال و چپی هم بر روز جهانی زن حاکم بود.

در مورد چگونگی بزرگداشت ۸ مارس امسال به نظر من نمونه روز جهانی کودک الگوی خوبی است. در این روز بنا گزارش خود رسانه های حکومتی در ۵۲ شهر طرفداران و مدافعین حقوق کودک تجمع کردند و مراسمهای مختلفی بر پا داشتند. گرچه رژیم نسبت به روز جهانی زن حساسیت بیشتری نشان میدهد اما در روز جهانی کودک هم شعارها و بیانیه های رادیکالی مطرح شد و نفس این حرکت به نظر من نشان میدهد که بر پا کردن تجمعات گسترده و در یک مقیاس سراسری در روز جهانی زن نیز امکانپذیر است. باید تلاش کرد که ۸ مارس صرفا به تهران و آنهم به یکی دو پارک محدود نشود بلکه کوشش کنیم که

در شهرهای مختلف و در مکانها و محلات تجمع متعددی در هر شهر، مراسم ۸ مارس را برگزار کنیم. این کاملا عملی است که در کارخانجات و در ادارات و مدارس و دانشگاه ها ساعتی را دست از کار کشید و دور هم جمع شد و به جشن و بزرگداشت این روز اختصاص داد.

از لحاظ مضمونی باید خواست لغو آپارتاید جنسی را محور قرار داد. میتوان ۸ مارس را به یک حرکت اجتماعی و سراسری و یک موج اعتراضی وسیع علیه آپارتاید جنسی تبدیل کرد. اگر فعالین جنبش آزادی زن، چنین حرکتی را در دستور خود بگذارند مسلما این حرکت عملی خواهد شد.

در مورد جامعه ایران تنها بیان اینکه در حق زنان تبعیض روا میشود کافی نیست. این هنوز ابعاد دهشتناک بیحقوقی و بی حرمتی دولتی و قانونی و رسمی نسبت به زنان را نشان نمیدهد. امروز در تمام کشورهای جهان در سطوح مختلفی تبعیض جنسی وجود دارد و زنان شهروندان درجه دوم محسوب میشوند اما موقعیت فرودست زنان در جامعه ایران حتی قابل درجه بندی نیست، مآدود تمام درجات است!

زن، در قوانین دولتی رسماً و صراحتاً نیمی از مرد محسوب میشود، در ایدئولوژی و فرهنگ منحنط حکومتی زن منشاء فساد اخلاقی و گمراهی مردان تلقی میشود و فلسفه حجاب اسلامی نیز اساساً از همین نوع نگرش به زن، زن بعنوان کالای جنسی و لزوم دور داشتنش این کالا از چشم نامحرم در یک بسته بندی سیاه، نشات میگیرد. این علناً و صریحاً یک نظام تمام عیار آپارتاید جنسی است که باید به

همین عنوان مورد تعرض زنان و مردان آزادیخواه در ایران، و باید تلاش کرد در کل دنیا، قرار بگیرد. دقیقاً مانند رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی که سیاهپوست و سفدپوست را از هم جدا میکردند، جمهوری اسلامی بین زن و مرد یک دیوار کشیده است و آنان را همه جا، در مهمانیها، در میادین ورزشی، در کلاسهای درس، در اتوبوسها، و همه مکانهای تجمع عمومی از هم جدا میکند. این توهین و بی حرمتی به زن و مرد و به همه احاد جامعه است. این توهین به بشریت است. زمانی که پنجاه درصد جامعه را به اسارت میگیرند درواقع کل جامعه را به بند کشیده میشود و کل جامعه اعم از زن و مرد از چنین تبعیضی رنج میبرد و زجر میکشد.

به همین دلیل به نظر من هشت مارس امسال، صدمین سالگرد برگزاری روز جهانی زن، فرصت مناسبی است برای اینکه از دنیا بخواهیم حکومت آپارتاید جنسی در ایران را محکوم و طرد کند. اینجا به سؤوال دوم شما در مورد منزوی کردن جمهوری اسلامی میرسیم.

چگونه میتوان جمهوری اسلامی را منزوی کرد؟

حزب کمونیست کارگری سیاست طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی را در دستور خود قرار داده است. کلید پیشبرد این سیاست بسیج مردم آزادیخواه دنیا، اتحادیه های کارگری و نیروها و نهادهای مترقی و آزادیخواه و سکولار و انساندوست در کشورهای مختلف است.

مردم جهان بویژه مردم کشورهای غربی را باید نسبت به عمق و گستردگی جنایات جمهوری اسلامی آگاه کرد و دولتها و نهادهای بین المللی را تحت فشار مردم خود این جوامع به قطع رابطه با جمهوری اسلامی وادار نمود. در مورد رژیم آفریقای جنوبی این امر اتفاق افتاد و در مورد رژیم آپارتاید جنسی در ایران هم میتوان این امر را عملی کرد. کارگران و مردم ایران باید این را در فراخوانهای مختلفی از مردم دنیا بخواهند. باید به جهانیان اعلام کرد که این رژیم نماینده مردم ایران نیست، قاتل مردم است و نباید از جانب هیچ حکومت و نهاد بین المللی ای به رسمت شناخته شود.

البته میدانم که امروز توازن قوا در ایران اجازه نمیدهد که مردم و فعالین جنبش آزادی زن و کلا جنبشهای اعتراضی مردم بطور علنی و صریح و با اسم و رسم این فراخوان را مطرح کنند، اما میتوان چنین بیانیه ها و فراخوانهایی را با امضای جمعی از دانشجویان و یا کارگران و یا مردم فلان کارخانه و یا دانشگاه و یا محله معین اعلام کرد و به جهانیان گفت که ما مردم ایران جمهوری اسلامی را حکومت خود نمیدانیم، این حکومت آپارتاید جنسی و اعمال شنیع ترین تبعیضات و بیحقوقیها علیه زنان و علیه کل مردم است، و باید از جانب هر دولت و نهاد و شخصیت و سازمانی که اندک ادعای مدنیت و انساندوستی دارد محکوم و طرد شود. حزب ما با تمام توان خود میکوشد هشت مارس امسال را به نقطه آغاز این تعرض جهانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کند.*

قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب: چهارشنبه ۱۰ شب بوقت اروپای مرکزی

حجم مطلب: ۲ صفحه ۴۲، فونت ۱۴، فاصله نورمال - word

مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهن نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.



Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

www.wpiran.org: سایت حزب

www.rowzane.com: سایت روزنه

www.international.com: نشریه انترناسیونال

www.newchannel.tv: سایت کانال جدید

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



پاپ رابه دانشگاه راه ندادند

و ثروتهای بیکران در برابر کارگران و مردم محروم باید پشتشان را به کجا بدهند. بهررو این هنوز شروع کار مردم سکولار است.

انتخابات آمریکا و داستان کهنه "تغییر"

انتخابات مقدماتی برای تعیین نامزد اصلی دو حزب اصلی آمریکا حزب دموکرات و جمهوریخواه که در انتخابات ریاست جمهوری در ماه نوامبر امسال با هم رقابت خواهند کرد شروع شده است. شعار این انتخابات هم همان شعاری است که در سال ۹۳ کلینتون با آن رقیبش جرج بوش از حزب جمهوری خواه را شکست داد: تغییر. Change در رقابتهای انتخاباتی امسال حزب دموکرات تلاش کرده است با دو شخصیتی که جلو فرستاده نشان دهد که واقعا خواهان تغییر است. یکی هیلاری کلینتون است که همسر رئیس جمهوری اسبق آمریکا بیل کلینتون از حزب دموکرات است و دیگری باراک اوباما است که یک وکیل سیاه پوست از پدری کنیایی و مادری آمریکایی است. یک زن و یک مرد سبزهپوست. که تا کنون سابقه نداشته است که در جامعه محافظه کار آمریکا به ریاست جمهوری برسند. هیلاری کلینتون و باراک اوباما در رقابتهای آیووا و همیشگی شانه به شانه باهم رقابت کردند. در آیووا از حزب دموکرات اوباما اول شد و در انتخابات مقدماتی همیشگی هیلاری کلینتون بیشترین آرا را نصیب خود کرد و اوباما بعد از او دوم شد. اوباما از "تغییر واقعی" سخن میگوید. او میگوید ثروتهای آمریکا را به سفره کارگران و مردم محروم وارد خواهد کرد. از بیمه های درمانی برای همه مردم سخن میگوید. از گوش دادن به حرف مردم محروم سخن میگوید. و از بازگرداندن تمام نیروهای آمریکایی از عراق و مذاکره بی قید و شرط با

بنا به گزارش خبرگزاری "دویچه وله" بر اثر اعتراضات شدید دانشجویان و اساتید دانشگاه لاساپینزا شهر رم، پاپ بندیکت شانزدهم سخنرانی خود در این دانشگاه را لغو کرد. پاپ بندیکت شانزدهم به مناسبت سال جدید میلادی قرار بود روز پنج شنبه، ۱۷ ژانویه در سالن مرکزی دانشگاه ساپینزا سخنرانی کند. شصت و هفت استاد دانشگاه در نامه ای سرگشاده خطاب به رئیس دانشگاه خواستار لغو سخنرانی پاپ در دانشگاه شدند. در این نامه اشاره به سخنرانی کاردینال جوزف راتزینگر، پاپ فعلی، در سال ۱۹۹۰ می شود که دادگاه واتیکان علیه گالیله را در سال ۱۶۳۳ دادگاهی عادلانه توصیف کرده بود. اساتید ساپینزا مواضع پاپ کنونی در رابطه با گالیله را قابل قبول نمی دانند و حضور او در دانشگاه را نوعی توهین به کسانی که عمر خود را وقف علم و دانش کرده اند می شمارند. واتیکان در سال ۱۶۳۳ میلادی گالیله را محاکمه و محکوم کرد تمامی دیوارها و محوطه بیرونی دانشگاه ساپینزا در چند روزه گذشته با شعارهای دانشجویان علیه پاپ و واتیکان پوشانده شده بود. شب گذشته یعنی چهارشنبه ۱۶ ژانویه دفتر سخنگوی پاپ در بیانیه کوتاهی اعلام کرد پاپ از سخنرانی در دانشگاه به علت فراهم نبودن شرایط صرف نظر می کند ولی متن سخنرانی اش را برای رئیس دانشگاه ارسال خواهد کرد.

جالب اینست که سیاستگزاران ایتالیا و از جمله رومانو پرودی نخست وزیر این عمل دانشجویان و استادان را تقیب کردند و آنرا غیر قابل قبول خواندند. دلیلش بسادگی اینست که خطر را بیخ گوش خود احساس میکنند. اگر پاپ و واتیکان تقدس خود را بیش ازین از دست بدهند معلوم نیست صاحبان سرمایه

جمهوری اسلامی حرف میزند. او بعلاوه خود را نماینده خوش بینی و "امید" معرفی می کند. هیلاری کلینتون گرچه در میان دموکراتها بعنوان محافظه کار شناخته میشود اما او هم مدام کلمه تغییر را تکرار میکند. از بازگشت به ارزشهای دموکراتیک، رفع تبعیض میان سفید و سیاه و دفاع از حقوق زنان و خانواده و رابطه فعال و دوستانه با اروپا. از حزب جمهوریخواه نیز "مایک هاگی" که زمانی کشیش بوده و گفته میشود در مقایسه با سایر نامزدهای مولتی میلیاردر جمهوریخواه پول زیادی در جیب ندارد به رقابتهای سطح بالایی راه یافته و در انتخابات مقدماتی آیووا نفر اول شد. البته او در انتخابات نیهوشیایر سوم شد. اما دو نامزد دیگر جمهوریخواهان یعنی "مک کین" و "جولیان" بیشتر نماینده محافظه کاری و ادامه وضع موجود شناخته میشوند. احتمال میرود که جبهه جمهوریخواهان نهایتا یکی از این دو را انتخاب کند. زیرا از قبل معلوم است که جمهوریخواهان در جنگ "تغییر" بازنده خواهند بود.

فاشیسم ایرانی و کمیساریای سازمان ملل علیه پناهندگان افغانی

تهاجم به پناهندگان افغانی یک جزء همیشگی سیاست جمهوری اسلامی بوده است. پناهندگان ضعیف ترین بخش جامعه اند و هر جا حکومت قصد داشته دست به تهاجم به کل جامعه بزند از پناهندگان شروع کرده است. آنچه این روزها "مدیر کل امور اتباع و

بیشتر مردم با وقوف به اینکه در صحنه سیاست آمریکا تغییری به نفع مردم با هیچکدام از احزاب سنتی حاکم ایجاد نخواهد شد، معمولا در لحظه آخر سومی را انتخاب میکنند. بازیهای انتخاباتی در آمریکا واقعا مسخره و مضحك و عوام فریبانه است. طرفین با شعور مردم بازی میکنند. نمایشاتی که در انتخابات به اجرا در می آید جز توهین به شعور انسانها نیست. آمریکا براستی نیازمند تغییر است. اما تغییری نه در کاراکترها بلکه در کل سیستم و نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی. با افول موقعیت برتر اقتصادی آمریکا تبختر ناسیونالیسم آمریکایی در جهان به مصاف گرفته شده است و سیاست "نظم نوین آمریکایی" که استراتژی ای برای استفاده از هیبت نظامی و قدرت دیپلماتیک جهانی برای نجات موقعیت هژمونیک آمریکا بود نتیجه عکس داده است. با شکست "نظم نوین" و وارد شدن اقتصاد آمریکا به نوعی رکود، بحث واقع بینی، همکاری با اروپا و ژاپن و همراهی با قدرتهای اقتصادی بزرگ و نوپایی چون چین و هند بر فضای سیاسی آمریکا سایه افکنده است. امروز وقتی احزاب بزرگ آمریکا از "تغییر واقعی" سخن میگویند کنه نیتشان نه مطلقا تغییری در پاسخ به خواستههای مردم، بلکه تغییری برای نجات موقعیت اقتصادی و سیاسی این کشور در صحنه جهانی است.

اینکه چه کسی در این انتخابات جلو می افتد هنوز دقیقا معلوم نیست و راستش زیاد هم مهم نیست. مستقل از چهره ها و شخصیتها، نظر سنجی های فعلی نشان میدهد که در دور نهایی انتخابات جمهوریخواهان به دلیل افتضاحات نئونکسرواتیستهها و جرج بوش بازنده خواهند بود. بهررو فضای انتخاباتی آمریکا بیش از هر چیز گویای اینست که اکثریت عظیم مردم این کشور از فقر و ناامنی و بی اختیاری به تنگ آمده اند و خواهان عبور از سیاستهای نئونکسرواتیستهها و دولت بوش و حتی دور شدن از سیاستهای سنتی احزاب حاکم هستند. احزاب دموکرات و جمهوریخواه با فرستادن چهره های معینی به جلوی صحنه در واقع به همین واقعیت اعتراف میکنند. اما آیا مردم نمیدانند که نه با حزب دموکرات و نه با حزب جمهوریخواه با هرچهره و شخصیتی که جلو بفرستند بهیچوجه در زندگی شان تغییری ایجاد نخواهد شد؟ واقعیت اینست که در فضای خلاء یک نیروی سیاسی رادیکال و واقعا مردمی، انتخابی برای مردم جز رفتن پشت این یا آن و یا کنار کشیدن و پاسیو ماندن باقی نمی ماند.

مهاجران" وزارت کشور حکومت اسلامی تحت عنوان طرح "آمایش ۳" اعلام کرد تماما با سیاستهای هیتلر علیه یهودیان و کمونیستها همخوانی دارد. فقط کوره آدم سوزی را کم دارد که در این زمینه هم عملا جمهوری اسلامی چندان کم نیآورده است. ایشان اعلام کرد که با توافق دولت کرزای و "کمیساریای سازمان ملل" طرحی را از ۱۵ دی به اجرا میگذارند که اساس آن اینست که اولاً ورود پناهندگان افغانی به شهرهای معینی ممنوع است. ثانیاً اشتغال پناهندگان فقط در ۶۶ شغل معین مجاز است و اجازه ندارند به شغلهای دیگری بپردازند. تا اینجا مربوط به پناهندگان به اصطلاح "قانونی" بود! برای پناهندگان غیر قانونی اردوگاههایی که شرایط آنها بنا به گفته ایشان شبیه شرایط زندان است در نظر گرفته شده که تا ۵ سال این پناهندگان در آنها زندانی میشوند.

خبر تازه در این رابطه اینست که احمدی نژاد روز گذشته اعلام کرد که اخراج پناهندگان افغانستانی متوقف میشود. اما او اعلام نکرد که اردوگاههای پناهندگان یا همان زندانهای پنج ساله را هم خواهد بست. این یک عقب نشینی است که از ترس عکس العمل مردم متمدن به آنها تحمیل شده است. اما کافی نیست. نه اعتراض و عکس العمل ما مردم در دفاع از پناهندگان بی پناه افغانی کافی است نه این حد از عقب نشینی حکومت فاشیسم اسلامی. باید اینها را به جرم جنایت علیه بشریت، به جرم متوسل شدن به فاشیسم و تبعیض آشکار علیه مردمی که از جنگ و محرومیت به ایران تحت حکومت اسلامی پناه آورده اند، به محاکمه کشید. کارگران و پناهندگان افغانی جزئی از ما مردمند و باید از حقوق و احترامی شایسته انسان برخوردار شوند. امروز در اول قرن بیست و یکم در پیش چشم ما دارد جنایتی در ابعاد وسیع صورت میگیرد و صدای ما رسا بگوش نمیرسد. این حمله ای به همه مردم است. تهاجمی به ارزشهای انسانی است. و باید پاسخی به وسعت همه بشریت بگیرد. *